

ذو الْقَرْنَيْنِ ذو الْقَرْنَيْنِ

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعَظَمَةَ؛ كَانَ ذُو الْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقاً وَغَربَاً وَشَمَالاً. ذُكْرُ اسْمِهِ وَأَعْمَالُهُ الصَّالِحةُ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ. در گذشته پادشاهی دادگر و یکتاپرست بود که ذوالقرنین نامیده می‌شد و خداوند به او نیرو و شکوه داده بود. ذوالقرنین بر مناطق گسترده‌ای از زمین در شرق و غرب و شمال حکومت می‌کرد. نام او و کارهای شایسته‌اش در چند آیه قرآن ذکر شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَمُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَالْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ يُرْجُبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَيَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمْ وَيُدِيرَ شُؤُونَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقِ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةِ كَرِيَّةٍ. وَوَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَمِنْهُمْ صَالِحُونَ. فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأنِهِمْ وَخَيَّرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَهِدَايَتِهِمْ. فَاخْتَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَدَعْوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِاللَّهِ. فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدْلَةِ وَأَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَدَبَّرَ شُؤُونَهُمْ.

وقتی اوضاع برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با ارتش‌های بزرگش به سوی مناطق غربی زمین رفت در حالی که مردم را به توحید و جنگ با ستم و تباہی فرا می‌خواند. و مردم به دلیل دادگری‌اش در راهش به او خوش آمد می‌گفتند و از اوی می‌خواستند که بر ایشان فرمانروایی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن تلااب‌هایی بود که آب‌هایش دارای بوی بدی بود. و نزدیک این تلااب‌ها مردمانی را یافت که بخشی از آنها تباہکار و بخشی درستکار بودند، و خداوند ایشان را در مورد کارشان خطاب کرد و او را در جنگ با مشکران تباہکارشان، یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد. و ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها به توحید و ایمان به خدا را برگزید. پس با دادگری بر آنان فرمانروایی کرد و تباہکارانشان را اصلاح کرد و کارهایشان را سامان بخشد.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأَمْمَ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَهَيَّئَتِهِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَومٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عِيشَةً بِدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكْمِهِمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاةَهُمْ وَعَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ. سپس با ارتش‌هایش به سوی شرق رفت و بسیاری از امت‌ها از او پیروی کردند و به خاطر دادگری و هیبت‌ش به پیشواز وی رفتند. تا اینکه به قومی غیر متمن رسید که بدی زندگی می‌کردند و آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکومت کرد تا به راه راست هدایت و زندگی‌شان را اصلاح کرد و به آنها آموخت چگونه زندگی کنند.

وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّىٰ وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفَعَيْنِ، فَرَأَى هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَظِيمَةً جَيْشَهُ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحةَ فَاغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتِهِنَّ وَحْشِيَّتِهِنَّ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ وَ پس از آن به سوی شمال رفت تا به مردمانی رسید که نزدیک تنگه‌ای میان دو کوه زندگی می‌کردند، آن مردمان بزرگی ارتشد و کارهای شایسته اش را دیدند و با رسیدن او فرصت را غنیمت شمردند؛ ولی آنها از دو قبیله وحشی که پشت آن کوه‌ها زندگی می‌کردند در عذاب شدیدی بودند.
فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتِئِنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْجِنِّ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيُخَرِّبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتِئِنِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ.
لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍ عَظِيمٍ، حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛ بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذُوالْقَرْبَانِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بَنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرَحِّ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.

پس به او گفتند: مردان این دو قبیله تباہکارند؛ هر از چندی از این تنگه به ما حمله و خانه‌هایمان را ویران و دارایی مان را غارت می‌کنند. این دو قبیله یأجوج و مأجوج اند. بنابراین، از او کمک خواستند و به او گفتند: از تو خواهش می‌کنیم این تنگه را به کمک سدی بزرگ بیندی تا دشمن نتواند که از آن به ما حمله کند و ما در این کارت به تو کمک می‌کنیم. پس از آن هدیه‌های بسیاری برایش آوردند و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خدا از بخشش دیگری بهتر است و از شما درخواست می‌کنم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم از این کار خوشحال شدند.

أَمْرَهُمْ ذُوالْقَرْبَانِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّىٰ ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتِئِنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَىٰ عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي یأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ. وَ شَكَرَ ذُوالْقَرْبَانِ رَبَّهُ عَلَىٰ نَجَاحِهِ فِي فُتوحَاتِهِ.

ذوالقرنین به آنها دستور داد تا آهن و مس بیاورند و در آن تنگه گذاشت و آتش روشن کردند تا مس ذوب شد و میان آهن رفت و سدی قوی مقابل این دو قبیله شد. و مردمان از پادشاه درستکار به خاطر این کارش سپاسگزاری کردند و از دو قبیله یأجوج و مأجوج رها شدند و ذوالقرنین از پروردگارش به خاطر پیروزی در کشورگشایی اش سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.

از این داستان می‌فهمیم که فرمانروایان درستکار دادگر نزد خدا و مردم دوست داشتنی هستند.

عَيْنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرِسِ.

✓ ✗

- ١- أَمَرَ اللَّهُ ذَا الْقَرْنَيْنِ بِمُحَارَبَةِ الْمَشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ.
خداوند، ذوالقرنيين را به جنگ کردن با مشرکان فاسد یا اصلاح کردن آنان، امر کرد.
- ٢- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.
ذوالقرنيين با سپاهیانش به سمت جنوب حرکت کرد در حالی که مردم را به یکتاپرستی دعوت می کرد.
- ٣- قَبَلَ ذُو الْقَرْنَيْنِ الْهَدَىَّا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.
ذوالقرنيين هدایایی که مردم آورده اند را، قبول کرد.
- ٤- بَنَى ذُو الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَالْأَخْشَابِ.
ذوالقرنيين سد را با آهن و چوبها ساخت.
- ٥- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُتَمَدِّنَيْنِ.
دو قبیله یأجوج و مأجوج متمن بودند.

تیم مدرسه، برنده است.

فریق المدرسة، فائز:

مبتدأ مضاف اليه خبر

مَزَرَعَةُ الْجَارِ، كَبِيرَةً: کشتزار همسایه، بزرگ است.

مبتدأ مضاف اليه خبر

کیف سعید، زیباست.

حَقِيقَةُ سَعِيدٍ جَمِيلَةٌ:

مبتدأ مضاف اليه خبر

تیم برنده مدرسه

فریق المدرسة الفائز:

مضاف مضاف اليه صفت

مَزَرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةُ: کشتزار بزرگ همسایه

مضاف مضاف اليه صفت

کیف زیبای سعید

حَقِيقَةُ سَعِيدٍ الْجَمِيلَةُ:

مضاف مضاف اليه صفت

فرق نوشته های بالا را بیابید و توضیح دهید.

در ستون اول: کلمات (الفائز، الكبيرة، الجميلة) در نقش صفت برای (فریق، مزرعه حقیقت) به کار رفته اند.

در ستون دوم: جملات خبری هستند، کلمات (فائز، كبيرة، جميلة) معنای جمله را کامل می کنند و نقش خبر را دارند.

در زبان عربی به جملاتی که با اسم شروع می شوند جمله اسمیه می گویند و کلمه ای که معنای جمله را کامل می کند (خبر) است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْأَفْعَالِ الْمَجْهُولَةَ. نُورُ السَّمَاءِ

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الأعراف: ٢٠٤

و هنگامی که قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید شاید مورد رحمت قرار گیرید.

٢- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيئاً﴾ مریم: ٦٠

پس آنان به بهشت داخل می شوند و کمترین ستمی به آنها نمی شود.

٣- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشیة: ١٧

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟

٤- ﴿يُعَرِّفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ آلرَّحْمَن : ٥٥

مجرمان با چهره هایشان شناخته می شوند.

٥- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصَّيَامُ﴾ آلبَّرَّةَ: ١٨٣

روزه بر شما نوشته (واجب) شده است.

٦- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ آلنساء: ٢٨

انسان، ناتوان آفریده شده است.

إِخْتَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَّةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَوْصُوفَ وَالصَّفَّةَ.

١- ﴿وَ مَا تُحْزُنُ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ﴾
مَوْصُوفٌ صَفْتٌ مَوْصُوفٌ صَفْتٌ

و جز به آنچه انجام می دادید جزا داده نمی شوید، مگر بندگان خالص خدا که برای آنها روزی ای معین است.

٢- ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ الْوَاقِعَة: ٩
مَوْصُوفٌ صَفْتٌ

پس به نام پروردگار بزرگت تسبيح گوی.

٣- ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ يُوسُف: ٢٤
مَوْصُوفٌ صَفْتٌ

همانا او از بندگان خالص شده (مخلص) ماست.

٤- ﴿السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ﴾
مَوْصُوفٌ صَفْتٌ

سلام بر ما و بندگان شایسته خدا.

٥- سُبْحَانَ رَبِّيِ الْأَعَلَى وَبِحَمْدِهِ
مَوْصُوفٌ صَفْتٌ

پاک و منزه است پروردگار بلند مرتبه ام و من او را ستایش می کنم.

حِوارَاتُ (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقبَالِ الْفَنْدُقِ)

گفت و گوها (با مسئول پذیرش هتل)

مَسْؤُولُ الْاسْتِقبَالِ

مسئول پذیرش

ما هو رَقْمُ غُرْفَتِكَ؟

شماره اتاقت چند است؟

نَفْضَلٌ.

أَعْتَدْرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثَمِنَةً وَ ثَلَاثِينَ.

از تو عذر من خواهم، شماره ۳۳۰ را به تو دادم.

مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظَّهَرِ؛
ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.

اشکالی ندارد دوستم، ساعت کار تو چند است؟
از شش صبح تا دو بعد از ظهر؛ سپس همکار بعدی ام
می آید.

الْفَطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛
الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛
الْعَشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.

وقت‌های صبحانه و نهار و شام چه زمانی است؟
صبحانه از هفت و نمی تا یک ربع به نه است؛ ناهار از
دوازده تا دو و ربع؛ شام از هفت تا یک ربع به نه.

شای و خبز و جبنة و زبدة و حلیب و مربي المیشمیش.

غذای صبحانه چیست؟
چای و نان و پنیر و کره و شیر و مریای زردآلو.

رُزْ مَعَ دَجاجٍ.

غذای ناهار چیست؟
برنج با مرغ.

رُزْ مَعَ مَرْقِ باذِنْجَانٍ.

و غذای شام چیست؟
برنج با خورشت بادمجان.

لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.

السَّائِحُ

گردشگر

رجاءً؛ أَعْطِنِي مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.

لطفا کلید اتاق را به من بده.

مِئَتَانِ وَ عِشْرَونَ.

دویست و بیست.

عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.

بخشید این کلید اتاق من نیست.

لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟

اشکالی ندارد دوستم، ساعت کار تو چند است؟
از شش صبح تا دو بعد از ظهر؛ سپس همکار بعدی ام
می آید.

مَتَّ مَوَاعِدُ الْفَطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعَشَاءِ؟

وقت‌های صبحانه و نهار و شام چه زمانی است؟
صبحانه از هفت و نمی تا یک ربع به نه است؛ ناهار از
دوازده تا دو و ربع؛ شام از هفت تا یک ربع به نه.

وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفَطُورِ؟

غذای صبحانه چیست؟

وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟

غذای ناهار چیست؟
برنج با مرغ.

وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَشَاءِ؟

و غذای شام چیست؟
برنج با خورشت بادمجان.

أَشْكُرُكَ.

از تو تشکر می‌کنم.

تشکر لازم نیست.(وظیفه‌ام است).

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرستان بپرسید.

التَّمَارِين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَّةَ؟

- | | | |
|-------------------|-------|--|
| استقبال | | 1- بِمَعْنَى الدَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرَحِ بِهِ.
به معنی رفتن به سوی مهمان و اظهار خوشحالی نسبت به او. |
| سیاه | | 2- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدِّفاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
مجموعه بزرگی از سربازان برای دفاع از وطن. |
| مرداب | | 3- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ طَوِيلًا.
مکانی که در آن آب (به مدت) طولانی جمع می شود. |
| تنگ | | 4- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.
مکانی بین دو کوه. |
| بين الحين و الآخر | | 5- فِي بَعْضِ الأَوْقَاتِ.
در بعضی اوقات. |

فُتْحٌ: باز شد	فَتَحٌ: باز کرد	تَنْصُرُونَ: باری می کنید
يُخْرُجُ: خارج می شود	يُخْرِجُ: خارج می کند	يُشَاهِدُونَ: می بینند
أَسْتُخْدِمٌ: به کار برده شد	إِسْتَخَدَمَ: به کار برد	يُخَرَّبُ: ویران می کند

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَّةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذاب / تخلّص / اختار / أصلح / هَدَى / مفسدون / رَفَضَ / أُسْكِنْ
ذوب شد / رهایی یافت / برگزید / اصلاح کرد / هدایت کرد / فاسدان / نپذیرفت / ساکن شو

1- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ قَاتَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَضْلَعَ﴾ فَانَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد، سپس بعد از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید پس قطعاً خداوند آمرزند و مهربان است.

2- ﴿وَ إِخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾ الاعراف: 100

مسافرت از مکه به مدینه منوره چند ساعت طول می کشد؟

3- ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ طه: ۵۰

ماشین چوبهایی از جنگل به کارخانه‌ی کاغذسازی منتقل می کند.

4- ﴿وَ يَا آدَمُ اُشْكُنْ أَنَّتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الاعراف: ۱۹

وسیله‌ای برای کم کردن مصرف برق در رایانه ساخته شده است.

5- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ الکهف: ۹۶

نفت مایعی سیاه رنگ است که از آن چیزهای زیادی ساخته می شود.

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا.

سَوْفَ يُخَاطِبُ / أَغْلِقُ / لَا يَسْكُنُونَ / عَوْضٌ / تُحَوّلِينَ / لَا تُخَيِّرُ / مَا لَبِثَنا / لَا نَتَخَرَّجُ
كَانَا يُغْسِلَانِ / حَرْكٌ / سَيُصْلَحٌ / لَا تَتَعَجَّبُوا / رَحَبَتْ / مَا لَعِقَ / يَتَصَادِمُ / كَانَتَا تُصَدِّقَانِ

ترجمة فارسي	عربي	ترجمة فارسي	عربي	نوع فعل
خوش آمد گفت	رَحَبَتْ	جبران کرد	عَوْضٌ	ماضي
نایسید	ما لَعِقَ	نمانند	مَا لَبِثَنا	ماضي منفي
باور می کردن	كَانَتَا تُصَدِّقَانِ	شسته می شدند	كَانَا يُغْسِلَانِ	معادل ماضي استمراري
تصادف می کند	يَتَصَادِمُ	تبديل می کنی	تُحَوّلِينَ	مضارع
سکونت نمی کنند	لا يَسْكُنُونَ	فارغ التحصيل نمی شویم	لَا نَتَخَرَّجُ	مضارع منفي
به حرکت درآور	حَرْكٌ	بیند	أَغْلِقُ	امر
تعجب نکنید	لَا تَعْجَبُوا	اختیار نده	لَا تُخَيِّرُ	نهي
اصلاح خواهد شد	سَيُصْلَحٌ	خطاب قرار خواهد داد	سَوْفَ يُخَاطِبُ	مستقبل

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: أَكْتُبْ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

- يَبْعَثُ: مِنْ فِرْسَتَد
 - يُقْطَعُ: مِنْ بُرْد
 - يُجْلِسُ: نَشَانَدَ
 - يُقْتَلُ: كُشِّتَ
 - يُعْلَمُ: يَادَ دَادَ
 - يُنْقَذُونَ: نَجَاتَ دَادَ مِنْ شَوْدَنْ
- يُبَعِثُونَ: فَرَسَتَدَهُ مِنْ شَوْدَنْ
- يُقْطِعُ: بَرِيدَهُ مِنْ شَوْدَنْ
- يُجْلِسُ: نَشَانَدَهُ مِنْ شَوْدَنْ
- يُقْتَلُ: كَشَتَهُ شَوْدَنْ
- يُعْلَمُ: يَادَ دَادَهُ شَوْدَنْ
- يُنْقَذُونَ: نَجَاتَ دَادَهُ مِنْ شَوْدَنْ
- أَبَعَثُ: فَرَسَتَدَهُ مِنْ شَوْدَنْ
- قُطِعَ: بَرِيدَهُ شَوْدَنْ
- أَجْلِسَ: نَشَانَدَهُ شَوْدَنْ
- قُتِلَتْ: كَشَتَهُ شَوْدَنْ
- عُلِمَوا: يَادَ دَادَهُ شَوْدَنْ
- أَنْقَذُونَ: نَجَاتَ دَادَهُ شَوْدَنْ

آلتَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحَ.

- | | | | |
|---|---|---|----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> أَقْبَلَ | <input type="checkbox"/> قَبِيلَ | <input checked="" type="checkbox"/> إِستَقْبَلَ | 1- الْمَاضِي مِن «يَسْتَقْبِلُ»: |
| <input checked="" type="checkbox"/> يُفَرِّقُ | <input type="checkbox"/> يَفْتَرِقُ | <input type="checkbox"/> يَتَفَرَّقُ | 2- الْمُضَارِعُ مِن «فَرَقَ» : |
| <input type="checkbox"/> تَغْلِيقٌ | <input checked="" type="checkbox"/> إِغْلَاقٌ | <input type="checkbox"/> إِنْغِلَاقٌ | 3- الْمَصْدَرُ مِن «أَغْلَقَ» : |
| <input type="checkbox"/> اِعْلَمُوا | <input type="checkbox"/> أَعْلَمُوا | <input checked="" type="checkbox"/> عَلِمُوا | 4- الْأَمْرُ مِن «تَعْلَمُونَ»: |
| <input type="checkbox"/> لَا تَنْزِلِي | <input type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِينَ | <input checked="" type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِي | 5- الْنَّهْيُ مِن «تُنْزِلِينَ»: |
| <input type="checkbox"/> يُلْاحِظُ | <input checked="" type="checkbox"/> يُضْرِبُ | <input type="checkbox"/> يُشَرِّفُ | 6- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: |

آلتَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً، ثُمَّ تَرْجِمْهَا.

غَيْرُوا / إِسْتِغْفار / حَرَكْتُمَا / تَحْوِيل / لَا تَسْتَمِعُ / لَا تَتَحرَّكِي / لَعْقَتُ / لَا يُفْتَحُ / أُقْرِبُنَ / يُدْفَعُ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	
لَا تَتَحرَّكِي	غَيْرُوا	إِسْتِغْفار	لَا يُفْتَحُ	حَرَكْتُمَا	الْكَلِمَةُ
حَرَكَتْ نَكْن	تَغْيِيرْ نَدْهِيد	آمِرْشْ خَوَاسِتَن	بَازْ نَمِ شَوَد	حَرَكَتْ كَرْدِيد	الْتَّرْجَمَةُ
لَا تَسْتَمِعُ	أُقْرِبُنَ	تَحْوِيل	يُدْفَعُ	لَعْقَتُ	الْكَلِمَةُ
گَوشْ نَدْه	نَزْدِيكْ شَوِيد	تَبْدِيلْ كَرْدَن	دُورْ نَمِ شَوَد	لِيسِيد	الْتَّرْجَمَةُ

الْتَّمْرِينُ الثَّامِنُ: تَرْجِمُ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ. نُورُ السَّمَاءِ

۱- ﴿ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴾^۱ البَقَرَةُ: ۱۲۳

و بترسید از روزی که هیچ کس، چیزی را از دیگری دفع نمی‌کند و هیچ‌گونه عوضی از او قبول نمی‌گردد و هیچ شفاعتی، او را سود نمی‌دهد و (از طرف هیچ کس) یاری نمی‌شود.

۲- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا ﴾^۲ الْحَجَّ: ۷۳

ای مردم مثالی زده شد پس به آن گوش دهید، کسانی که به جای خدا می‌خوانید هرگز مگسی را نخواهند آفرید.

۳- ﴿ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مِتَّ لَسَوْفَ أُخْرَجْ حَيًّا ﴾^۳ مَرِيمٰ: ۷۶

و انسان می‌گوید: «آیا انگاه که مردم دوباره زنده (از قبر) بیرون آورده خواهم شد؟

۴- ﴿ قُلْ إِنَّمِا أَمْرُتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴾^۴ الرَّمَرَ: ۱۱

بگو همانا من مأمورم که خدا را بپرستم در حالی که دینم را برای او خالص و پیراسته گردانیدم.

۵- ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾^۵ البَقَرَةُ: ۱۸۵

ماه رمضان که در آن قرآن نازل شد.

۶- ﴿ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴾^۶ سَبَأٰ: ۵۱

و از مکانی نزدیک دستگیر شوند.

۱- إِتَّقُوا: بترسید، پرهیزید لا تَجْزِي: دفع نمی‌کند. عَدْلٌ: در اینجا به معنای بلا گردان، بدل

۲- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مگسی را نخواهند آفرید.

۳- مِتٌّ: مردم ← مات: مُرْد لَ در لَسَوْفَ برای تأکید است.

۴- مُخْلِصًا: در حالی که خالص گردانیده‌ام.

عَيْنِ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحةِ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يُسْخِرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند

کنند، شاید آنها خوب بهتر از خودشان باشند؛

٢- ﴿وَ لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنابِزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

و از خودتان دیگران عیب نگیرید، و به همدیگر لقب رشت ندهید.

٣- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید. از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.

٤- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنْمَّا وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها گناه رشت است، و جاسوسی نکنید؛ و غیبت دیگران همدیگر نکنید؛

٥- ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

آیا کسی از شما می‌خواهد دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد بگند؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

۶- ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

ای پسرکم، نماز نمازت را ببریای دار و به کار پسندیده فرمان بده و از کار ناپسند بازدار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمد آرامش داشته باش برباری کن قطعاً این از عزم [در] کار کارها است.

۷- ﴿وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمِشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحَّاً إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

و از مردم دوستان روی برمتاب، و در زمین خرامان راه نرو؛ زیرا خداوند هر خودپسند فخرفروش را ناپسند می‌دارد دوست نمی‌دارد.

۸- ﴿وَ اقْصِدْ فِي مَسْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾

و در راه رفتنت میانه رو باش و از صدا صدایت بکاه، زیرا بدترین صدای صدا قطعاً صدای خران است.

لُقْمان: ۱۷ إِلَى ۱۹